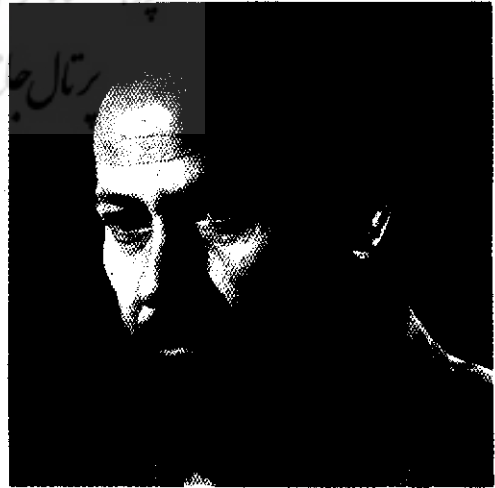


# غلامعلی اجلی خطاط و معمار خطای و نقاشی و هنرهای خطی

غلامعلی اجلی هنرمندی است که آثارش در ابعاد مختلف بازگو کننده خط، از سوئی و نقاشی از سوی دیگر می باشد. وی همواره دلباش و پای بند به بهره‌وری از پدیده‌های زیبای طبیعت است. و بدین جهت، بخشی از کارهایش را خط- نقاشی که تلفیقی از دو هنر فوق است تشکیل می دهد و اینگونه، روایتی نو، جهت عینی کردن احساسات درونی خویش بدید می آورد

اجلی در نشستی با فصلنامه هنر، ابتداء به بیان مختصری از زندگی خود می پردازد و...

من در روز نوزدهم بهمن سال ۱۳۱۸ خورشیدی در شهرستان میانه متولد شدم. پدرم فرهنگی و مادرم معلم قرآن بود. تا پایان دوره اول متوسطه در میانه بودم و پس از آن برای اتمام تحصیلاتم به تهران آمدم. پس از پایان دوره متوسطه در دانشکده هنرهای تزئینی پذیرفته شدم و پس از اخذ لیسانس در رشته معماری داخلی به دوره فوق لیسانس در همین رشته راه پیدا کردم و دوره فوق لیسانس را نیز پایان رساندم و به علت علاقه زیاد به امر آموزش و پرورش به استخدام دولت درآمده و در دبیرستانها و مدارس عالی به تدریس مشغول شدم. سپس از طرف دانشکده هنرهای تزئینی بعنوان مدرس دعوت شدم و بتدریس شیوه‌های گوناگون خط پرداختم و اکنون مدت ۲۲ سال است که در امر تدریس، روزگار می گذرانم. از همان سالها عضو انجمن های ادبی تهران شدم و بین سالهای ۳۹ تا ۵۹ خط را زیر نظر استادانی چون: استاد سید حسن میرخانی، استاد سید حسین میرخانی، استاد زنجانی و استاد علی اکبر کاوه به آموختن خطوط نستعلیق، نسخ و ثلث مشغول شدم. این کار من به صورت عشقی بزرگ جلوه گر شد تا آنجائی که



من در نقش آفرینی با حروف و کلمات وسواس عجیبی دارم. هر حرف نمی تواند به تنهایی هر چند هم زیبا باشد مرا قانع کند. گردشهای متفاوت قلم که از هر گوشه آن فرمی زیبا تولد می یابد لذتی زایدالوصف در روح و جان من برمی انگیزد. این فرمها برای من زندگی ساز و آینده ساز است. به آسانی نمی توانم هر خطی را به هر ترکیبی که هست بپذیرم زیرا در خطاطی تنها صاف نوشتن و ترکیب کردن و تلفیق حروف

ارادت خاصی نسبت به استادانم، به خصوص استاد حسن میرخانی پیدا نمودم زندگی هنری خط نستعلیق برای من تولدی تازه محسوب می شد. من دوران شیفتگی خود را با آموختن کلمات زیبای فارسی پشت سر گذاردم و به موازات همین ایام به آموختن طراحی نیز اقدام کرده وزیر نظر استاد شیخ، استاد کاتوزیان، استاد بهزاد، استاد مصیری و استاد اولیاء به آموختن طراحی و نقاشی رنگ و روغن پرداختم.

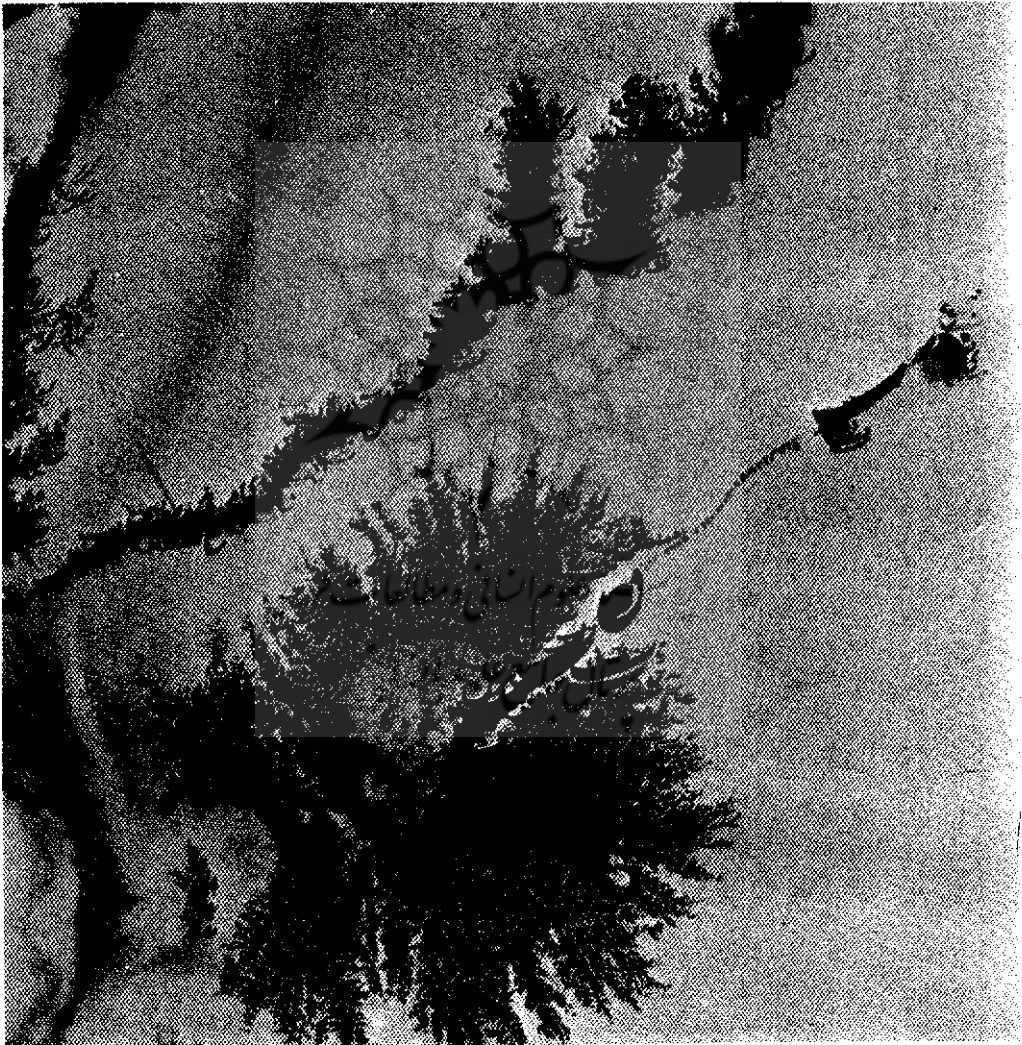


مطرح نیست بلکه بیشتر باید به کیفیت خود خط اهمیت داده شود و هزار نکته باریک دیگر.

خط را شأن و مقام والاّی است که هر تازه از راه رسیده ای نمی تواند آن مقام را کسب کند. دنیای خطوط دنیای عجیبی است و زندگی آنها حیرت انگیز. حروف با یکدیگر انس و الفت دارند و ساکت و آرام در کنار یکدیگر زندگی می کنند. حروف کوچکتر در پناه ترکیبات و کلمات زیبا می روند و به آنها پناهنده میشوند.

حروف کوچکتر در برابر حروف بزرگتر رعایت ادب و احترام می کنند و از حدشان تجاوز نمی نمایند. نقطه ها هم به همین روال جانی محفوظ برای خود می یابند و گاهی هم از عرصه ترکیب کنار گذاشته می شوند و یا گاهی در کنار یکدیگر صف آرایی کرده و ترکیب ویژه ای را پدید می آورند.

حروف و کلمات هر یک از شخصیت فوق العاده ای برخوردارند و شخصیت آنها برای





پرداختن در یک کلمه و یا سطر و یا قطعه و کتابت و فرم‌های دیگر کاملاً باید حفظ شود. همان اندازه که یک شخصیت بزرگ در برخورد با انسانهای دیگر رعایت هرگونه ادب و احترام و آداب و معاشرت را می‌نماید. حروف و کلمات هم جای مشخصی در سطر بندی و قطعه و صفحه نویسی دارند و به جا قرار دادن و موزون ترکیب کردن حروف، شخصیتی به آن اثر می‌بخشد که صاحب نظران را جای هیچگونه انتقادی نباشد. خط عرفانی دارای موسیقی عرفانی است که روح هر انسان عارف را به ارتعاش درمی‌آورد. دوق از آن خداست و باید انتخاب نوع خطاطی و موضوعات آن در خدمت الله باشد و این، خود نوعی عبادت است.

**\* از آنجائی که هنر نقاشی و هنر خطاطی هر کدام هنر کاملی هستند که نهایتاً می‌توانند تمنیات هنری هر هنرمندی را برآورده سازند و هر کدام دارای عملکردهای خاص خود هستند، چه انگیزه‌ای سبب شد که شما به موازات فراگیری هنر خط به زمینه نقاشی هم بپردازید آیا خط، به تنهایی شما را ارضاء نمی‌کرد؟**

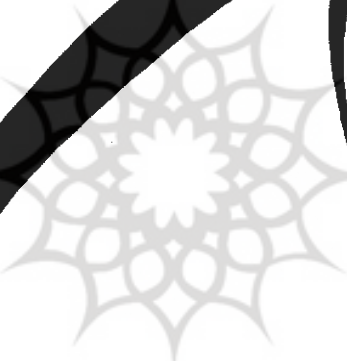

● در پاسخ این سوال شما باید بگویم که انسانها، از آغاز خلقت تا کنون همواره طبیعت و مظاهر زیبای آنرا دوست می‌داشتند و این زیبا دوستی و زیباپسندی مقدمه ایست برای شکوفائی هنری در وجود هنرمند و همواره سعی می‌کرده‌اند که رابطه‌ی علاقه خود را نسبت به طبیعت، بصورت‌های گوناگون چون شعر، نقاشی، طراحی، خطاطی، موسیقی و پیکره‌سازی و سایر رشته‌های هنری به جامعه خویش عرضه کنند که

در این رابطه شاعران، نقاشان و خوشنویسان بزرگی در هر دوره ظهور کرده‌اند. من گاهی گاهی که از خوشنویسی خسته میشوم به طراحی پناه می‌برم و گاهی نیز نقاشی می‌کنم و یا به شعر می‌پردازم، رو بهمرفته می‌توانم بگویم که شعر و زمینه‌های دیگر هنری بهترین پناهگاه من هستند. من، زود از کار یکنواخت خسته می‌شوم و بهمین دلیل فوراً روال کار را عوض کرده و به کار دیگری می‌پردازم و مجموع این آثار بازگو کننده احوال من در زمینه‌های مختلف می‌باشند. خلاقیت‌ها به هنرمند شخصیت هنری می‌بخشد و دنباله روها جایی در جامعه هنرمندان ندارند. هنر عینیت بخشیدن و تجسم عواطف و احساسات و ادراکات بوسیله هنرمند است و وسیله عبادت هنرمند نسبت به آفریدگار یکتاست. نقش‌ها و اشعار و رنگها و خطوط من وسیله عبادت من نسبت به خدا هستند. من گاهی با خط عبادت می‌کنم و گاهی با نقش و واژه‌های موزون و یا با شعر، چون همه وجودم از اوست و از سوئی رسالت و تعهد من به جامعه اینست که بتوانم به علاقمندان و شاگردانم با ساده‌ترین روشها، خوشنویسی را بیاموزم.

گاهی دل به طبیعت می‌سپارم و از تماشای یک منظره زیبا لذت می‌برم و دیوانه وار آنرا به رشته‌ی طرح می‌کشانم و با خطوط کلمات ماهها و سالها به تجسم سایه روشن‌های آن می‌پردازم و به آن عینیت می‌بخشم، در کارهایم بین طبیعت و کلمات، رابطه عمیق می‌بینم و هیچیک را از دیگری نمی‌توانم جدا بسازم. من حروف و کلمات را آزادانه شکل می‌دهم و آزادانه بخدمت می‌گیرم و از آنها آنچه را که می‌خواهم می‌سازم

تا آنجا که مرا قانع کند. گرچه طبیعت، ساکت  
و خاموش است ولی برای من یک دنیا حرف های  
گفتنی دارد. من عاشقانه خود را در دامن طبیعت  
رها می سازم و بسا آغوش پر از زیبایی ها  
بازمی گردم.

من از یکسو این چنین شیفته طبیعت هستم و  
از سوی دیگر شوریده کلمات و واژه ها و به همین  
دلیل این دو پدیده را در اغلب آثارم درهم  
می آمیزم تا اثر نو و بدیعی بوجود بیاورم. کارهای  
من به علت پرکاری، بسیار وقت گیر هستند و  
برای هر کدام می بایست مدت زیادی وقت  
بگذارم به همین دلیل اغلب، تا نیمه های شب به  
کار مشغول میشوم تا هم کمبود وقت را جبران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

ص ۱۳۳

کنم و هم از سکوت شب بهره‌مند شوم

\* شما تا چه حد خود را مقید به پیروی از اصول کلاسیک خطاطی می‌دانید و به عقیده شما هنر خط با همین معیارهای موجود، آیا پاسخگوی نیازهای جامعه ما هست؟

● باید بگویم که کارهای من پاسخگوی روشنی در مورد قید و بند داشتن نسبت به سبک کهن خط فارسی است، من معتقدم که خط فارسی، یک هنر سنتی و فرهنگی است و باید در حفظ آن بکوشیم ولی با درجا زدن و دنباله روی بکلی مخالف هستم، چرا که هنرمند بخاطر داشتن توانایی‌های هنری و ارائه سبک نو در هنر، شخصیت پیدا می‌کند و اگر روزی در این

اندیشه باشم که خطی را که هنرمندان، سالهای پیش ابداع کرده‌اند، دنبال کنم، خودم را فردی ضعیف و عاجز و مقلد می‌پندارم و نامم هم با مرگ من در گور فراموشی، بخاک سپرده خواهد شد.

دنباله روی و تقلید از کار دیگران یک انحطاط فکری است. من همیشه سعی کرده‌ام تا کارم روال خاصی داشته باشد چرا که رسالت هنری جز این نمی‌تواند باشد. ارائه یک اثر نو، برای اولین بار در جامعه هنر، کار چندان سهلی نیست. باید دل به دریا سپرد و شب و روز کار کرد و نیازهای جامعه را با خلاقیت‌ها و زیبایی‌ها برطرف ساخت. من همواره در سر



# برک در حمان سبز از نظر هوشیاء هرورقی دقیرت



که چیزی جز مغشوش کردن هنر نیست و منظور، ابداع و ایجاد مکاتب صحیح و اصولی است که صرفاً تحت شرایط خاص زمانی و فکری هنرمند بوجود می آید.

\* هر هنرمندی نسبت به جامعه خویش دارای رسالت و تعهدی است، چرا که از جامعه، جان و مایه می گیرد. شما فکر می کنید که یک هنرمند ایرانی که در شرایط پس از انقلاب اسلامی زندگی می کند نسبت به جامعه چه تعهدی دارد و چگونه می تواند ادای وظیفه بکند؟

● وظیفه و رسالت هنره ند در جامعه ما اینست که آنچه را که از طبیعت و اجتماع خود درک می کند با عواطف و احساسات خود درهم آمیخته و به آن جسمیت و عینیت ببخشد تا آن اندازه که بتواند مشتاقان و دوستان هنر را جذب کرده و سپس پیامش را که درخور جامعه پس از انقلاب است و معیارهای هنری صحیح پس از انقلاب را داراست به مردمش برساند. در حقیقت یک هنرمند اصیل را می توان یک معجزه گر در هنر دانست. چون اصولاً هنر از روح طفیانگر سرچشمه می گیرد.

کلاس از دانشجویان و پژوهندگان راه هنر خواسته ام که همیشه در کارشان، خودشان باشند. اگر هدف از آموزش خوشنویسی، خوشنویس شدن است، که دیگر حرفی نیست ولی اگر هدف هنرمند شدن است باید در بوجود آوردن اثری، خلاقیت نشان داد. کارهای هنری اصیل و بدیع با نام مبتکران آن در صفحات تاریخ هنر ثبت می شوند.

انسان، همواره، با ابداعات تازه زندگی می کند و سعی می کند زندگی خود را نسبت به آن کشفیات و ابداعات سازش دهد، اگر غیر از این باشد ما باید خانه های خود را از کاهگل و تن خود را ملبس به لباس های قرن ها پیش نمایم، انسان صرفاً نشان میدهد که تابع زمان خود است و اگر امروز یک نقاش هنرمند و یا یک خوشنویس با تجربه بنشیند و کاری را شروع کند که دیگران در گذشته آن را انجام داده اند تنها، عمر خویش را تلف کرده است و این در حالیست که در کشورهایی که دارای سابقه ای بس طولانی در زمینه هنری باشند هر از چند گاهی مکتب و شیوه جدیدی بوجود می آید البته صرفنظر از شعبه بازی ها و جار و جنجال هائی



# بسته‌های تشنه تماشا

مراکز فرهنگی و هنری در استان تهران

و چشمهایش تشنه تماشا. پس بر هر هنرمند است که ذوق آفرینش و استعداد و خلاقیتش را بکار بسته اثری قابل تماشا کردن به جامعه اش تحویل دهد و این آثار بدیع، کشش در بیننده ایجاد نماید که این امر می‌تواند دامنه هنر را آنطوریکه باید، گسترش دهد و هم‌چنین برای عمیق‌تر کردن ریشه هنر خوشنویسی و گسترده‌تر کردن آن در جامعه، رسانه‌های گروهی از قبیل جراید، تلویزیون و رادیو و انتشارات می‌توانند از طریق بیشتر مطرح کردن خط و معرفی هنرمند در حفظ و اشاعه این هنر بکوشند

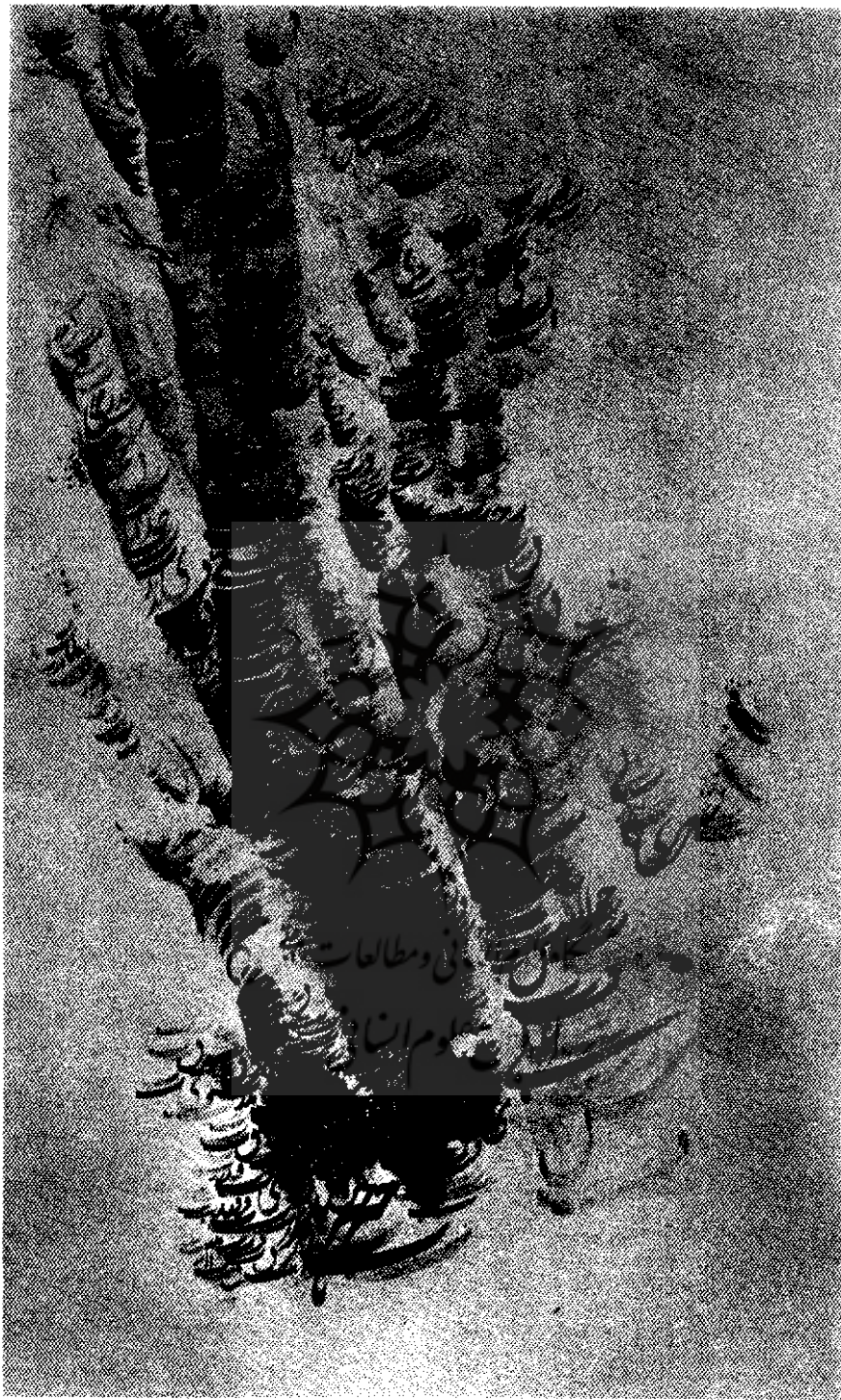
**\* بنظر شما مراکزی که برای تربیت خوشنویس وجود دارند آیا توانسته‌اند در مورد اشاعه و توسعه این امر خدمتی قابل توجه بکنند؟**

● خوشبختانه ایجاد مراکز تعلیم انجمن خوشنویسان در سطح استانهای کشور توانسته است خوشنویسان زیادی را تربیت نماید و از آغاز تاسیس تاکنون بسیار فعال و هم‌چنین موفق بوده‌اند و در این مکاتب به تعلیم خط نستعلیق نسبت به سایر شیوه‌ها اهمیت بیشتری داده میشود و خط شکسته و ثلث و نسخ را جزء خطوط فرعی

من معتقدم که هنرمند با رسالت کسی است که بمانند معلم، انواع آن چه را که آموخته و خودش هم گاهی خالق آن است به جامعه‌ای که نیازمند است بیاموزد، متأسفانه در جوامع امروزی آنطور که باید، به هنرمندان توجه نمیشود و این عامل باعث میشود که هنرمند به جهات اقتصادی ناچار با یک عده سوداگر آثار هنری سرو کار پیدا کرده و ارزش کارهایش تا سرحد امکان تنزل پیدا کند چرا که هنر را با هیچ معیاری از مادیات نمی‌توان سنجید و اگر در جامعه‌ای معیار سنجش هنر با پول باشد آن هنر رکود پیدا کرده و می‌میرد و از سوی دیگر هنر نمی‌بایستی فرمایشی باشد بلکه هنرمند می‌بایست در زمینه کار خود آزاد باشد و با توجه به نیازهای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند به خلق اثر بپردازد.

**\* هنرمند خطاط به چه طریق می‌تواند این هنر را که یکی از اصیل‌ترین هنرهای ماست بیشتر در جامعه مطرح کند و چهارچوب آنرا گسترده‌تر نماید؟**

● همانطوریکه قبلاً عرض کردم، هر انسان، بالفطره تنوع‌طلب و زیبا دوست است



و در درجه دوم اهمیت قرار داده اند

**\* بخشی از کارهای شما تلفیقی است از هنر خط و هنر نقاشی، با توجه به این موضوع که چه خط و چه نقاشی دارای بار و رسالت خاص خود هستند، آیا ادغام کردن این دو شیوه در هم به این دلیل بوده که شما احساس می کنید خط به تنهایی قادر به جذب تماشاگر و هم چنین رساندن پیامش نیست؟**

● از آنجائی که خط، قرنهای پیش بطور ساده و یکنواخت در معرض دید بینندگان بوده و دیدن مکرر برای آنان خستگی آور می نمود، بر آن شدم که سبکی نو از تلفیق خط و نقاشی که الهامی است از طبیعت بوجود بیاورم و کلیه کارهای من در این زمینه، از فاصله دور، کاملاً نقاشی بنظر می آیند و از فاصله نزدیک، خط، بنا پیدا می کند. من نام این سبک را «گلگشت» نهاده ام و این سبک مروری است در تجسم و نشان دادن سایه و روشن ها و پستی و بلندی های طبیعت زیبا. و اگر توفیق الهی یار من باشد در صدد هستم که این سبک «گلگشت» را توسعه بیشتری دهم. سبک «گلگشت» عبارتست از تماشا و گردش در طبیعت که من این کار را با حروف انجام می دهم. در این سبک می توان از هر نوع خط با حفظ قواعد و اصول آن، کار کرد بدون اینکه لطمه ای به موازین آن زده شود.

**\* آیا قبل از شما کسی دیگری در این زمینه کار کرده است؟**

● در سیصد سال پیش دعانویسی برای اولین بار، مرغی را با کلمات بسم الله الرحمن الرحیم ساخت که مقلدان بعدی آنرا پیگیری کرده و در تکامل آن کوشیدند ولی سبک گلگشت سبکی

است بررسی شده که پیروان آن باید در تجسم زبیتائی های طبیعت بوسیله خط و رنگ مهارت کامل داشته باشند و در اصول فنی آن دو صاحب نظر باشند و تا تاریخ ارائه اولین نمایشگاهم در این زمینه، کسی به این کار دست نزده است.

من سبکهای مختلف و تازه ای را در خط ابداع کرده ام که یکایک را به معرض نمایش خواهم گذارد در سبک گلگشت، حروف به نسبت داشتن فاصله از دید ناظر در بُعدهای مختلف فضا، با اندازه های مختلف نمودار می شوند و به بیننده امکان مطالعه و تفکر بیشتری را می دهند و نظر اندیشمندان بزرگ معاصر ما که خود در تاریخ هنر و ادبیات و عرفان مقام والائی دارند مرا بیش از پیش به ادامه این سبک تشویق کرده است و فکر می کنم با خط و رنگ و فرم ها، می توان شیوه های بسیار زیبایی خلق کرد و برای بینندگان و دوستداران هنر عرضه نمود

**\* شما بیشتر به جنبه های نماد گرایانه خط توجه دارید. فکر نمی کنید که با توجه بیش از حد به ظاهر خط، محتوای پیام رسانیش گرفته بشود؟**

● در ارائه این سبک دو موضوع حائز اهمیت است. اول خود خط که با قواعد و موازین تعیین شده از قبل و کلاسیک مطرح می شود و پیامی به همراه دارد که خواننده به راحتی می تواند به هدف و منظور خوشنویس پی ببرد و با شیوه های مختلف خط می توان این امر را به اجرا در آورد و دوم اینکه ارائه این سبک با استفاده از فرم ها و اشکال طبیعت است که با توجه به اصول فنی ترسیمی و خطاطی می توان آنرا ایجاد نمود و اهمیتی که این موضوع دارد اینست که بیننده را

می سازد و برای چنگالش از حروف «دد» استفاده شده است و برای لانه پرنده های ضعیف و کوچک که هرگز از دست این تیزچنگالان درامان نبوده اند از این شعر سودجسته ام:  
 هر شاخه ای که لانه نمودم فلک شکست  
 یارب کدام شاخه دیگر آشیان کنم

و برای تنه درخت نیز از شعر  
 برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی



با فضاهاى جدیدتر، پویا و دینامیک تر آشنا کرده که این خود باعث کشش و آشنائى بیشتر علاقمندان به هنر خط می گردد و همانطور که بارها عرض کرده ام در جا زدن در اصول و شیوه های گذشته چیزی غیر از خمودی و خستگی برای بیننده حاصل نخواهد کرد

**\* در یکی از کارهای شما که به صورت خط- نقاشی است، درختی را نشان داده اید که در لابلای شاخه هایش پرنده گان آشیان کرده اند و عقابی که آنها را مورد تهدید قرار می دهد، این اثر را در چه تاریخی کشیدید و انتخاب سمبل هائی این گونه، چه موضوعی را القاء می کند و از چه مضامینی برای بوجود آوردن قسمت های مختلف آن استفاده کرده اید؟**

● شاخه و برگهای این درخت از غزلیات عرفانی حافظ است و مناجات حکیم سنائی را برای شاخه های بالاتر انتخاب کرده ام، من هنگام خلق یک اثر هنری، همواره خدا را حاضر و ناظر دانسته و بدین صورت با خدای خویش به راز و نیاز می پردازم، چرا که خداوند این موهبت را بمن داده که بتوانم با تاثیر پذیری از زیبایی های طبیعت و اشعاری که برای او سروده شده است و رنگهائی که توسط طبیعت زیبایش به ما ارزانی داشته، این اثر را بسازم. موضوع این تابلو قانون جنگلی است که پرنده تیز پرواز و قوی چنگی که همانا عقاب است پنجه های خود را گشوده و می خواهد به پرنده گان کوچکی که در لابلای شاخه درختان آشیان کرده اند هجوم بیاورد. نوشته های متن پرنده الهام از اشعاری است که کیفیت و عملکرد پرنده را مشخص

که در نظام طبیعت، ضعیف پایمال است استفاده شده است و بقیه قسمت‌ها را اشعار و غزلیات حافظ و گاهی آثارشاعران معاصر تشکیل می‌دهد. این تابلو تحت تأثیر وحشیگری‌هایی که به اصطلاح قانون جنگل می‌نامیم و پیش از انقلاب اسلامی در جامعه ما حاکم بوده کشیده شده است و تاریخ آن از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۵ می‌باشد



\* وضعیت هنر خوشنویسی در گذشته چگونه بوده است و آیا هنر خوشنویسی معاصر نسبت به گذشته دارای تحولات و پیشرفتهائی شده است؟

● در زمانهای قدیم که هنوز دستگاه چاپ و تلگراف و تلفن را اختراع نکرده بودند، خط وسیله مراسلات بین شهرها و کشورها بود و آنطور که باید و شاید به کیفیت و زیبایی خود کلمه توجهی نمیشد ولی پس از اختراع موارد بالا، معنویت این هنر بیشتر شد و هنرمندانی شایسته، در هر زمانی بظهور پیوستند و خط با حفظ هر شیوه جنبه تزئینی و هنری پیدا کرد و هنرمندان در ساخت و پرداخت کلمات و حروف و قطعه و صفحه‌نویسی و کتابت توجه شایانی نموده و روز بروز بر ارزش این هنر اصیل افزودند و هنر خوشنویسی در ایران و ممالک دیگر اسلامی بصورت هنر سنتی جایی مشخص برای خود پیدا کرد و موزه‌های هنری کشورهای دنیا هم اقدام به جمع‌آوری و در معرض نمایش قرار دادن این هنر کردند. اما از نیم قرن اخیر به این طرف هنرمندان ما شیوه‌های نوئی را برای نشان دادن این هنر ابداع نمودند (با شکستن قید و بندها و اصول و قواعد) از سوی دیگر در زمان ما، یعنی در سالهای پس از انقلاب توجه مقامات و مسئولین محترم وزارت ارشاد اسلامی رابه امر خوشنویسی نبایند نادیده گرفت، چرا که این توجهات، در عصر انقلاب اسلامی یکی از درخشانترین دوران در تاریخ خوشنویسی از گذشته تا حال بوده است و بر مقامات محترم وزارت آموزش و پرورش است که به هنر خوشنویسی که یکی از هنرهای اصیل اسلامی است بذل توجه بیشتر نموده و در



دوره‌های ابتدائی و راهنمایی در دبیرستانها و هنرستانها، خوشنویسی را به عنوان یک درس اصولی برنامه ریزی نمایند.

و گاهی هم با حفظ آن اصول، کارهای نوئی بوجود آوردند که کار هر یک از آن هنرمندان با نامشان در تاریخ هنر معاصر ایران و جهان ثبت شده است هر چند که کار این خلاقان هنر از تاثیر پذیری هنرهای گرافیک معاصر جهان هم برخوردار است دارای ارزش و اعتبار کافی نیز می باشد. این هنرمندان به جنبه‌های بصری، در کلّ تابلو توجه کرده و به اصول و قواعد خوشنویسی کمتر پایبند بوده‌اند و همانطور که اشاره شد گروهی دیگر نیز با توجه به رعایت اصول خوشنویسی دست به خلاقیت‌ها زده و بر ارزش این هنر ارزنده افزوده‌اند که در جامعه خط بازتاب به سزائی دارند

**\* با اینکه راندمان و بازدهی نگارش هر کتابی با خط، بسیار کم است، قرآن مجید به خاطر احترام خاص و جایگاه ویژه‌اش، حتی پس از اختراع چاپ همواره با خط خوشنویسان کتابت شده است**  
شما بفرمائید از آغاز اسلام تا کنون، قرآن مجید به چه شیوه‌هائی نوشته شده و تا عصر حاضر دارای چه کیفیتی بوده است؟

● قرآن از آغاز تا کنون به خطوط اسلامی زیادی رقم یافته. از آن جمله می توان از کوفی ساده - ثلث - محقق - ریحان - نسخ و نستعلیق یاد کرد که هر یک بجای خویش از ارزش هنری و معنویت خاصی برخوردارند و موزه‌های معروف دنیا از قرآن‌های خطی و نفیس مسلمین غنی می باشند. نسخ قرآن مجید در گذشته بشیوه نسخ

غبارهم نوشته شده که از جهات هنری پرارزش است ولی استفاده چندانی از آن نمیشود چون چشم خواننده حتی با عینک و ذره بین هم قادر بخواندن آن نیست

### **\* لطفاً در مورد خط غبار توضیحی بدهید**

● به عقیده من خط غبار برای قدرت نمائی و تسلط چشم و دست نویسنده می باشد و این خطی است که در صفحه و یا جای بسیار کوچکی مطالب بسیاری نوشته می شود. اصولاً خط غبار ریزترین خطی است که اصول صحیح نویسی خط در آن رعایت میشود و چون حروف و کلمات خیلی ریز نوشته می شوند به خط غبار معروف شده است و خواندن آن با عینک و یا ذره بین هم مشکل است.

در مورد این شیوه، روزی یکی از اساتید خط به من گفتند که سوره توحید را روی یک دانه برنج مرقوم داشته اند .

می توان گفت این خطوط بیشتر برای جلب توجه بینندگان نوشته می شده و جنبه تفریحی دارد و عبدالمجید درویش طالقانی یکی از بزرگترین خوشنویسانی بود که در شیوه شکسته و غبار تبحر کافی داشت و من فکر نمی کنم که در زمان ما این شیوه از طرف کسی پی گیری شود، چون ضرورتی هم ندارد مگر اینکه خوشنویسی از روی تفنن بدان بپردازد.